

The Effect of Credit Allocation on Entrepreneurship

Shahin Behdarvand * 

MA student, Faculty of Economics,
Allameh Tabataba'i University,
Tehran, Iran

Ali Nassiri Aghdam 

Assistant Professor, Faculty of
Economics, Allameh Tabataba'i
University, Tehran, Iran

Mohammad Ghasemi Sheshdeh 

Assistant Professor, Faculty of
Economics, Allameh Tabataba'i
University, Tehran, Iran

Abstract

This paper aims to empirically assess Schumpeter's view that access to credit is vital for entrepreneurial activities. Credit allocation refers to the allocation of bank credits by the monetary authorities to non-financial economic activities. To measure the scope and penetration of entrepreneurship, two common indicators are used: The New Business Entry Density (ED) of the World Bank (WB) and Total Early-stage Entrepreneurial Activity (TEA) of the Global Entrepreneurship Monitor (GEM). Our sample for the first case includes 66 countries over the period 2006 to 2016, and for the second case, 54 countries during the period 2001 to 2016. The results reject the hypothesis of the impacts of credit allocation on entrepreneurship in the case of former indicators, but do not reject it in the case of the latter indicators. Furthermore, the sensitivity of the results to the choice of entrepreneurship measure indicates that further inquiries as well as alternative indicators are required to address the Schumpeterian hypothesis.

Keywords: Entrepreneurship; Credit guidance; Non-Financial business; Financial business; Panel data.

JEL Classification: C23, E42, E50, G20, L26.


* Corresponding Author: shahin_behdarvand@atu.ac.ir

How to Cite: Behdarvand, Sh., Nassiri Aghdam, A., Ghasemi Sheshdeh, M. (2021). The Effect of Credit Guidance on Entrepreneurship. *Journal of Economic Research*, 83 (21), 165. 199.

- This paper is developed based on the thesis of MD at Allameh Tabataba'i University. This thesis is supported by the Economic Affairs Research Institute.



اثر هدایت اعتبار بر کارآفرینی

شاهین بهداروند*  دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران

علی نصیری اقدام  استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران

محمد قاسمی ششده  استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران

چکیده

هدف از این پژوهش آزمون تجربی این دیدگاه شومپیتری است که هدایت اعتبار به سمت فعالیت‌های کارآفرینانه لازمه شکل‌گیری و توسعه کارآفرینی است. منظور از هدایت اعتبار این است که چه نسبتی از اعتبارات بانکی به فعالیت‌های اقتصادی غیرمالی تخصیص یافته است. برای ارزیابی کارآفرینی از دو شاخص مرسوم یعنی «نرخ تراکم ورود کسب و کارهای جدید» (ED) بانک جهانی (WB) و «نرخ فعالیت کارآفرینانه نوپا» (TEA) دیده بان جهانی کارآفرینی (GEM) استفاده شده است. برای ارزیابی اثر هدایت اعتبار بر کارآفرینی از مدل داده‌های تابلویی استفاده شده است. براساس شاخص اول کارآفرینی، مدل برآوردی داده‌های ۶۶ اقتصاد جهان را طی دوره ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۶ پوشش می‌دهد و براساس شاخص دوم، ۵۴ اقتصاد جهان را طی دوره ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۶ دربر می‌گیرد. نتایج برآوردها متفاوت است. وقتی کارآفرینی بر اساس «نرخ تراکم ورود کسب و کارهای جدید» ارزیابی می‌شود، برآوردها برخلاف انتظار اثر هدایت اعتبار بر کارآفرینی را تایید نمی‌کنند، اما زمانی که شاخص «نرخ فعالیت کارآفرینانه نوپا» مطرح نظر قرار می‌گیرد، مطابق انتظار نظری اثر معنادار هدایت اعتبار بر کارآفرینی برای اقتصادهای با درآمد متوسط رد نمی‌شود. حساسیت نتایج به اینکه کدام شاخص مبنای ارزیابی کارآفرینی قرار می‌گیرد، نشان از آن دارد که برای ارزیابی نظریه شومپیتر نیاز به داده‌هایی داریم که به درستی انعکاس دهنده کارآفرین در معنای شومپیتری آن باشند.

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی، هدایت اعتبار، کسب و کارهای مالی، کسب و کارهای غیرمالی، پانل دیتا.

طبقه‌بندی JEL: C23, E42, E50, G20, L26

– مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه علامه طباطبائی (ره) با حمایت پژوهشکده امور اقتصادی است.

* نویسنده مسئول: shahin_behdarvand@atu.ac.ir

۱. مقدمه

بسیاری از مطالعات تجربی نشان می‌دهند که کارآفرینی با ایجاد مشاغل جدید (Lee, 2019)، حمایت از ظهور محصولات و بخش‌های جدید (King & Levine, 1993b)، معرفی نوآوری (King & Levine, 1993b)، دامن زدن به رقابت و بهره‌وری و تقویت نشر دانش (Keilbach et al., 2008 & Léon, 2019) محرک اصلی رشد اقتصادی است (Keilbach et al., 2008; Liu et al., 2019 & He et al., 2019). همچنین نشان داده شده است که مناطق یا صنایع با نرخ کارآفرینی بالاتر، سطح بالاتری از نوآوری و رشد اقتصادی دارند. در نتیجه، اکثر کشورهای اروپایی در حال تحقق پتانسیل کارآفرینی برای بهبود نرخ رشد و کاهش سطح بیکاری هستند. آن‌ها اقداماتی سیاستی را برای تقویت سرمایه کارآفرینی خود ارائه می‌دهند (Keilbach et al., 2008). به عنوان نمونه در چین از سال ۲۰۱۵، «کارآفرینی گسترده و نوآوری» به عنوان استراتژی جدید توسعه ملی اقتصادی ظاهر شده است (He et al., 2019). در کنار سایر عوامل موثر بر کارآفرینی، تامین مالی هم به عنوان یک عامل مهم در شکل‌گیری کارآفرینی نقش حیاتی دارد (Keilbach et al., 2008 & Doing Business, 2019).

در همین راستا، به ویژه پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ دیدگاه‌های مبتنی بر هدایت اعتبار توسط جمعی از محققین نظیر ورنر^۱ (۲۰۰۲ و ۲۰۰۵) و بزمر^۲ (۲۰۱۴ و ۲۰۱۸) با استناد به دیدگاه شومپتر^۳ قوت گرفت؛ به خصوص که این محققان نشان می‌دهند که طی سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۰ میلادی به کارگیری اشکال مختلفی از هدایت اعتبار به منظور حمایت از بخش‌های اولویت‌دار و با عناوین متفاوتی مانند «پنجره اعتباری»^۴، «سقف اعتباری»^۵، «کنترل‌های اعتباری»^۶ و... (نصیری اقدم، ۱۳۹۸ و Bezemer et al., 2018) مورد استفاده قرار گرفته است. البته از اوایل دهه ۱۹۸۰ پیروی از این رویه در کشورهای توسعه یافته امروزی کم رنگ شد (Bezemer et al., 2018).

-
1. Werner, R.
 2. Bezemer, D.
 3. Schumpeter, J.
 4. Credit Ceilings
 5. Window Guidance
 6. Credit Controls

بزم و همکاران (۲۰۱۸) نشان می‌دهند که حذف تدریجی هدایت اعتبار و خصوصی سازی بانک‌های بزرگ سرمایه‌گذاری دولتی از دهه ۱۹۸۰ به بعد با کاهش سهم کسب و کارهای غیرمالی ارتباط معنی‌داری دارد. ورنر (۲۰۰۲) با شیوه‌ای تاریخی به بررسی ریشه‌های هدایت اعتبار در ژاپن پرداخته و از جمله دلایل رشد اقتصادی این کشور را اعمال سیاست‌های هدایت اعتبار به بخش‌های دارای اولویت، زیر نظر بانک مرکزی معرفی می‌کند. بنابراین، در این دیدگاه تاکید ویژه‌ای بر نقش هدایت اعتبار به کسب و کارهای غیرمالی برای بخش حقیقی اقتصاد می‌شود.

در دیدگاه متعارف، اکثر اقتصاددانان تخصیص اعتبار را در قلمرو بازار می‌دانند. این دیدگاه که با ادبیات آزادسازی مالی شناخته می‌شود هرگونه دخالت دولت یا نهاد مرکزی در تخصیص اعتبار مانند سقف نرخ بهره را مجاز نمی‌داند. به عنوان نمونه، می‌توان به مک کینون^۱ (۱۹۷۳) و شاول^۲ (۱۹۷۳) اشاره کرد که با تعبیر «سرکوب مالی»، حتی سیاست سقف نرخ بهره، الزامات ذخیره بالا و مالیات تبعیض آمیز واسطه‌های مالی را نیز مضر معرفی می‌کنند (Fry, 1995) و احمدیان و امیری، (۱۳۹۴). بنابراین، از دلالت‌های واضح سیاست‌گذاری در دیدگاه متعارف لغو برنامه‌های اعتباری جهت‌دار است (Philip, 2007). در ایران از یک طرف «تجربه شش برنامه توسعه در سی سال اخیر حاکی از فاصله گرفتن تدریجی از الگوی هدایت بخشی از اعتبارات بانکی به بنگاه‌های رقابت‌پذیر و بهره‌ور و نزدیک شدن به مدل آزادسازی بازارهای مالی با کمترین مداخله دولت در هدایت تسهیلات است» (خاندوزی و مقیسه، ۱۳۹۷). از طرف دیگر، با وجود اینکه در ادبیات اقتصادی نقش مهم کارآفرینی در رشد و توسعه پذیرفته شده، وضعیت ایران در شاخص کارآفرینی نامناسب است؛ به طوری که از بین ۱۳۷ کشور ایران در گزارش موسسه جهانی کارآفرینی و توسعه^۳ رتبه ۷۲ را دارد^۴ و مهم‌ترین مشکل کارآفرینان نیز دشواری دسترسی به سرمایه و تامین مالی بیان شده است (فهام و پرهیزکار، ۱۳۹۷ و جوادی و نعیمی، ۱۳۹۵).

1. Mckinnon, R.

2. Show, E.

3. Global Entrepreneurship and Development Institute

4. <https://thegedi.org/global-entrepreneurship-and-development-index>

در این پژوهش از طریق ارزیابی تجربی آثار تخصیص انواع اعتبارات بانکی بر کارآفرینی به این پرسش اساسی پرداخته می‌شود که «آیا هدایت اعتبار می‌تواند باعث رشد کارآفرینی شود؟».

در این مطالعه، بر اساس ادبیات هدایت اعتبار، تخصیص اعتبار به سمت کسب و کارهای غیرمالی و نیز تا حدودی مصارف غیررهنی خانوار مولد و اختصاص اعتبار برای کسب و کارهای مالی و وام‌های رهنی مصرفی خانوار غیر مولد فرض می‌شود. در صورت تایید این اولویت‌بندی از طریق نتایج انواع تخصیص اعتبار بر کارآفرینی، می‌توان اثر مثبت هدایت اعتبار بر کارآفرینی را تایید کرد. این پژوهش علاوه بر اینکه تلاش می‌کند به ادبیات هدایت اعتبار و ارتباط آن با کارآفرینی کمک کند، می‌تواند دلالت‌های روشنی برای سیاست‌گذاری اعتباری داشته باشد.

سازماندهی مقاله در ادامه به این صورت است که در بخش دوم، ادبیات نظری پژوهش به همراه مروری بر پیشینه مطالعات مرتبط ارائه خواهد شد. در بخش سوم، روش تحقیق و نیز توصیف داده‌ها تشریح خواهد شد. در بخش چهارم نتایج برآوردی پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. در بخش پنجم جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی ارائه خواهد شد.

۲. ادبیات نظری و پیشینه تجربی

شومپتر (۱۹۱۱ و ۱۹۴۲) کارکرد اصلی کارآفرین^۱ را «شناخت و تحقق فرصت‌های جدید اقتصادی» می‌داند. وی کارآفرینی را «متحمل خطر شدن و مسئولیت در طراحی و اجرای یک استراتژی کسب و کار یا شروع یک کسب و کار» تعریف می‌کند (Klapper et al., 2007).

یک پرسش مهم در ادبیات کارآفرینی عوامل موثر بر شیوع کارآفرینی در یک اقتصاد است. در این خصوص محققین مختلف عوامل اثرگذار متفاوتی را شناسایی کرده‌اند (Keilbach et al., 2008). خود شومپتر پیوند وثیقی میان تامین مالی و کارآفرینی برقرار کرده، آن دو را دو روی یک سکه می‌داند (درویدیان، ۱۳۹۵). عامل تامین مالی یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها و گاه مهم‌ترین عامل (سمویه^۲، ۲۰۱۳) تحقق کارآفرینی و ایجاد

1. Entrepreneur
2. Somoye, R.

بنگاه‌های جدید است (King & Levine, 1993b; Yu, 2008; Keilbach et al., 2008; Kerr & Nanda, 2009; He et al., 2019؛ ۱۳۹۰؛ Leon, 2019؛ Cumming et al., 2019؛ Lee, 2019؛ Gnyawali & Fogel, 1994).

این ایده شومپیتر که نقش تخصیص اعتبار به کارآفرینان را در رشد اقتصادی برجسته می‌کند، کمتر شناخته شده است (King & Levine, 1993b). در واقع تامین نقدینگی برای کارآفرینی دلیل اصلی ارتباط بین سیستم اعتباری و رشد تولید ناخالص داخلی است (Bezemer, 2014). در این دیدگاه پول «وسیله پرداخت»^۱ است و کارآفرینان برای ایفای نقش خود نیاز به قدرت پرداخت پولی دارند (نصیری اقدم، ۱۳۹۷ و درودیان، ۱۳۹۵). آنها نمی‌توانند برای چند سال نیروی کار به استخدام درآورند، ماشین‌آلات و مواد اولیه فراهم آورند و در انتظار بهره‌برداری از کارخانه بمانند تا پس از فروش محصول و کسب درآمد، حقوق عوامل تولید را پرداخت کنند. اینجاست که اگر خلق پول جدید بانکی برای تامین مالی بخش مولد اقتصاد به کار گرفته شود، مقوم رشد اقتصادی خواهد بود (نصیری اقدم، ۱۳۹۷).

ورنر (۲۰۱۲ و ۲۰۱۵) توضیح می‌دهد که بانک‌ها فقط واسطه بین سپرده‌گذار و وام‌گیرنده نیستند، بلکه خالق اعتبارند و ایجاد سپرده موخر بر اعطای وام است. در این دیدگاه اعتبار بانکی برای بنگاه‌ها فقط حکم نهاده تولید را ندارد (درودیان، ۱۳۹۵)، بلکه نهادی است که آنها را قادر به اکتساب و کنترل عوامل تولید می‌کند و می‌تواند چرخه‌ای پولی را شکل دهد که با پول به مثابه سرمایه نقدی اولیه برای اکتساب نهاده‌ها شروع شده و با پول به عنوان عایدی‌های حاصل از فروش پایان می‌یابد (قباشی و بنی طبا، ۱۳۹۸). در مقابل، اگر پول خلق شود تا برای پرداخت در بازارهایی به کار گرفته شود که ارزش افزوده جدیدی در آنها خلق نمی‌شود، نتیجه‌ای جز ایجاد حباب و تورم قیمت‌ها نخواهد داشت. بنابراین، از نظر رشد اقتصادی کاملاً اهمیت دارد که پول جدید کجا می‌رود و قدرت پرداخت برای چه کاری را فراهم می‌کند (نصیری اقدم، ۱۳۹۷).

این تمایز بین کاربردهای مختلف اعتبار بانکی و پیامدهای سطح کلان آن‌ها به کارهای کلاسیک شومپتر در مورد پیوند بین توسعه مالی و توسعه اقتصادی باز می‌گردد (Bezemer, 2014 & Bezemer, et la, 2020).

شومپتر (۱۹۳۹) خاطر نشان می‌کند که نه اعتبارات مصرفی و نه وام‌های رهنی رابطه مستقیم با رشد بهره‌وری ندارند در حالی که اعطای اعتبار به موسسات غیر مالی با سرمایه‌گذاری نوآوری و سرمایه‌گذاری تولیدی ربط وثیق دارد (Bezemer, et la, 2020). وی در همین راستا بیان می‌کند: «... دستگاه اعتباری به گونه‌ای طراحی شده است که می‌تواند در بهبود دستگاه‌های تولیدی و تحدید هر نوع کاربرد دیگری استفاده شود.» (Schumpeter, 1939). در واقع، با وجود غفلتی که از لایه تامین اعتبار در نظریه شومپتر رخ داده است، تاکید اصلی وی (۱۹۸۳ [۱۹۱۱]) بر نقش اعتبار در حمایت از توسعه اقتصاد پویاست. جایی که بخش بانکی کارآفرینان را برای ارزیابی «ترکیبات جدید»^۱ (نوآوری‌ها) فعال می‌کند (Bezemer, et la, 2018).

در این چارچوب، پیوند تامین مالی با نوآوری برای رشد اقتصادی بسیار اساسی است (King & Levine, 1993b). اگر این پیوند برقرار نشود، اعتبار می‌تواند برای اهداف سوداگرانه و غیرمولد استفاده شود (Bezemer, et la, 2018). مطالعات بسیاری نشان می‌دهند مالی شدن اقتصاد که با بزرگ شدن بخش مالی شناخته می‌شود (Palley, 2016) منجر به کاهش نوآوری، افزایش بی‌ثباتی مالی (Battiston et al., 2018) شده و می‌تواند مانع رشد اقتصادی شود (Fagiolo et al., 2020). در حالی که، محققانی نظیر ورنر (۲۰۰۵) و بزمر (۲۰۱۴) با استفاده از رویکرد شومپتری تاکید می‌کنند که جریان اعتبار به مشاغل غیرمالی به طور معمول از سرمایه‌گذاری و نوآوری بخش خصوصی پشتیبانی می‌کند و از این طریق رشد بهره‌وری گسترده‌تری را فراهم می‌کند؛ زیرا اعتبار بانکی نقش مهمی در فعال کردن سرمایه‌گذاری کسب و کارها، نوآوری و کارآفرینی ایفا می‌کند (Bezemer, et la, 2018).

بنابراین منشا مشکلات ناشی از بدهی و بی‌ثباتی مالی، افزایش اعتبار به خودی خود و حتی افزایش اعتبار نسبت به تولید ناخالص داخلی نیست، بلکه نوع اعتبار و درآمدهای حاصل از آن است که بیانگر ناملايمات پیش گفته است (Bezemer, et la, 2018).

این دیدگاه، هدایت اعتبار به کسب و کارهای غیرمالی و وام‌های مصرفی خانوار مولد انگاشته می‌شود و در مقابل، تخصیص اعتبار به سمت کسب و کارهای مالی و نیز وام‌های رهنی غیرتولیدی معرفی می‌شود (Bezemer, 2019). از این رو، چگونگی سیاست‌گذاری اعتباری برای سوق یافتن اعتبارات بانکی به سرمایه‌گذاری‌های مولد به شیوه‌ای «سازگار با انگیزه‌ها» اهمیت پیدا می‌کند و انجام مطالعاتی در خصوص این پیوند را ضروری می‌نماید. مطالعات پیشین در جدول پیوست خلاصه شده است. ادبیات تجربی بیان شده را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد؛ در دسته اول مساله تامین اعتبار و کارآفرینی در سطح کلان بررسی می‌شود و در دسته دوم پژوهش‌هایی قرار می‌گیرد که آثار تخصیص انواع اعتبارات را مورد بررسی قرار داده‌اند. این دسته از پژوهش‌ها با علامت * در جدول پیوست علامت‌گذاری شده‌اند. در دسته اول کمتر به موضوع تفکیک انواع اعتبار، آثار آن و نیز ادبیات هدایت اعتبار توجه شده است و دسته دوم برای تفکیک اعتبار و نیز اهمیت آن برای اقتصاد در مطالعات خود توجه کرده‌اند، اما کمتر کارآفرینی را محل بحث تجربی خود قرار داده‌اند. بنابراین، به نظر می‌رسد در زمینه بررسی تجربی ارتباط بین هدایت اعتبار و کارآفرینی خلا پژوهشی وجود دارد و پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا از طریق تفکیک انواع اعتبار این خلا پژوهشی را کاهش دهد.

این مقاله به نوعی ادامه مسیر سه پژوهش عمده است: ۱- مقاله جهاو بویان^۱ (۲۰۲۰) که با استفاده از داده‌های آبیاد و همکاران^۲ (۲۰۱۰) در رابطه با آزادسازی مالی به بررسی کارآفرینی و اصلاحات مالی برای ۴۵ کشور طی دوره ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۵ پرداختند؛ با این تفاوت که در تحقیق پیش‌رو به جای برخی متغیرهای مربوط به آزادسازی و محدودیت اعتبار از داده‌های تخصیص انواع اعتبار استفاده می‌شود. ۲- پژوهش لئون (۲۰۱۹) که ارتباط کارآفرینی با انواع وام‌های بانکی از منظر زمان (کوتاه مدت و بلند مدت) را برای ۸۵ اقتصاد جهان در دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۱۴ بررسی کرد. ۳- بزمرو همکاران (۲۰۲۰) که در آن اعتبار به صورت نهادی تفکیک شده است به بررسی اثر انواع اعتبارات بانکی شامل سهم کسب و کارهای مالی و غیرمالی از اعتبار بانکی و نیز وام‌های خانوار بر اعتبار تجاری می‌پردازد، اما کارآفرینی را مورد بحث قرار نمی‌دهد.

1. Jha, C. & Bhuyan, R.

2. Abiad, et al.

۳. روش و داده

در این پژوهش به منظور بررسی ارتباط بین انواع تخصیص اعتبار بانکی با کارآفرینی و پاسخ به پرسش اصلی پژوهش از دو مدل رگرسیونی رابطه (۱) و (۲) برگرفته از پژوهش‌های لئون (۲۰۱۹) و کلپر و همکاران (۲۰۱۵) استفاده شده است.

$$ED_{it} = \beta_0 + \beta_1 NFB_{it-1} + \beta_2 FB_{it-1} + \beta_3 Con_{it-1} + \beta_4 Mor_{it-1} + \Gamma X_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل الف (۱)}$$

$$TEA_{it} = \beta_0 + \beta_1 NFB_{it-1} + \beta_2 FB_{it-1} + \beta_3 Con_{it-1} + \beta_4 Mor_{it-1} + \Gamma X_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل ب (۲)}$$

مدل‌های ارائه شده در رابطه‌های (۱) و (۲) به ابتکار لئون (۲۰۱۹) برای بررسی رابطه کارآفرینی با انواع اعتبار کوتاه مدت و بلندمدت تصریح شده است. در این مقاله مدل ارائه شده با این تفاوت مورد استفاده قرار گرفته که اعتبارات بر حسب نوع تخصیص از هم تفکیک شده است.

در این پژوهش برای ارزیابی شاخص کارآفرینی از دو مجموعه داده استفاده شده است؛ نرخ تراکم ورود به مشاغل جدید (ED)^۱ از مجموعه داده‌های کارآفرینی بانک جهانی (WB)^۲ به عنوان متغیر وابسته در مدل الف) استفاده شده است که بازه زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ را پوشش می‌دهد. در مدل ب)، شاخص فعالیت کارآفرینانه نوپا (TEA)^۳ از دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM)^۴ برای سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶ به عنوان متغیر وابسته به کار گرفته شده است و دلیل استفاده از دو مجموعه داده برای متغیر وابسته این است که هر کدام از این دو مجموعه داده جنبه‌هایی از کارآفرینی را به تصویر می‌کشند (Leon, 2019)؛ شاخص تراکم ورود کسب و کارهای جدید بانک جهانی تعداد شرکت‌های جدید در هر هزار نفر در سن کار (کسانی که بین ۱۵ تا ۶۴ سال سن دارند) که طی یک سال تقویمی به صورت رسمی ثبت شده است^۵ را اندازه می‌گیرد و البته همه شرکت‌ها را پوشش نمی‌دهد، بلکه شرکت‌های

1. The new business entry density (ED)

2. World Bank (WB)

3. Total Early-Stage Entrepreneurial Activity (TEA)

4. Global Entrepreneurship Monitor (GEM)

5. <https://www.doingbusiness.org/en/data/exploretopics/entrepreneurship>

با مسئولیت محدود^۱ را در نظر می‌گیرد (Clapper et al., 2014) در حالی که شاخص فعالیت کارآفرینانه نوپا دیده بان جهانی کارآفرینی، درصد جمعیت ۱۸-۶۴ ساله‌ای است که یا یک کارآفرین نوپا هستند یا مدیر یا مالک یک کسب‌وکار جدید هستند^۲. مفهوم کسب‌وکار جدید نیز به عمر کمتر از ۳/۵ سال (کمتر از ۴۲ ماه) اشاره دارد^۳. این کارآفرین می‌تواند در بخش رسمی یا غیررسمی فعالیت کند و فعالیت کارآفرینی می‌تواند یک کسب‌وکار تمام وقت یا نیمه وقت باشد (Leon, 2019) بنابراین، شاخص دوم طیف وسیع‌تری از کسب‌وکارها را در بر می‌گیرد.

سهم اعتبار (وام‌های بانکی) برای کسب‌وکارهای غیرمالی (NFB)^۴، سهم اعتبار برای کسب‌وکارهای مالی یا موسسات مالی غیربانکی (FB)^۵، سهم اعتبارات رهنی خانوار (Mor)^۶ و سهم اعتبارات مصرفی (غیررهنی) خانوار (Con)^۷ از تولید ناخالص داخلی (GDP) متغیرهای مستقل اصلی این پژوهش هستند که از مجموعه داده‌های بزم، سامرینا^۸ و ژانگ^۹ (۲۰۲۰) استخراج شده است. این مجموعه، داده‌های مفصلی در مورد دارایی‌های وام‌موسسات اعتباری (بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی نظیر اتحادیه‌های اعتباری) ارائه می‌دهد که از ترازنامه‌های تلفیقی موسسات مالی و پولی از آمار بانک مرکزی کشورها به دست آمده است. در این مجموعه داده‌ها، منظور از اعتبار کسب‌وکارهای مالی اعطای وام به شرکت‌های بیمه، صندوق‌های بازنشستگی، سایر واسطه‌های مالی و سایر موسسات مالی غیربانکی است. این مجموعه داده شامل وام بین بانکی نمی‌شود. همچنین منظور از وام رهنی، وام رهنی خانوار است که تنها بخشی از وام رهنی کل است و منظور از اعتبار مصرفی خانوار انواع وام‌های خانگی نظیر وام برای خرید وسایل نقلیه مسافری، سایر کالاهای بادوام مصرف‌کننده، وام‌های دانشجویی و کارت‌های اعتباری است و شامل وام رهنی نمی‌شود (Bezmer et al., 2020).

1. Limited liability

2. <http://gem-consortium.ns-client.xyz/wiki/1154>

3. <http://gem-consortium.ns-client.xyz/wiki/1149>

4. Loans to Nonfinancial Business (NFB)

5. Loans to Non-bank Financial Business (FB)

6. Household Mortgages (Mor)

7. Household Consumption Credit (Con)

8. Samarina

9. Zhang

در این مدل X نشان‌دهنده مجموعه‌ای ماتریسی از متغیرهای کنترلی است که عبارتند از: «سرانه تولید ناخالص داخلی» به منظور کنترل توسعه اقتصادی کشورها؛ «نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (GDP)» به دلیل ارتباط با توسعه مالی و ورود بنگاه‌ها؛ مجموعه‌ای از متغیرهای موثر بر شروع یک کسب‌وکار که از مجموعه داده‌های «انجام کسب‌وکار» بانک جهانی استخراج شده است که شامل «شروع یک کسب‌وکار»، «تعداد فرآیندهای اعمال قراردادهای»، «مراحل ثبت املاک» و «نرخ بازبایی» است (Leon, 2019) و «نرخ بهره واقعی» و «حجم بازار سرمایه به تولید ناخالص داخلی» که برای تهیه داده‌های آن از داده‌های بانک جهانی استفاده شده است. پایین نویس t نشان دهنده مقطع (اقتصاد) و پایین نویس t نشان دهنده زمان (سال) است. نماد و شکل به کار رفته از متغیرها در مدل به همراه منبع استخراج آن‌ها در جدول (۱) توصیف شده است.

برای تشخیص روش تخمین هر یک از مدل‌های رگرسیونی از آزمون‌هایی نظیر اف لیمر، بروش پاگان و هاسمن^۱ (منجذب و نصرتی، ۱۳۹۷) با ترتیبی که گرین^۲ (۲۰۱۸) بیان کرده، استفاده شده است.

با توجه به آزمون‌های انجام شده، روش‌های اثرات تصادفی (RE)^۳ برای مدل (الف) و در سطح کشورهای متوسط و اثرات ثابت (FE)^۴ برای سایر تخمین‌ها مناسب تشخیص داده شد که برای تخمین آن دسته از مدل‌هایی که پانل با اثرات ثابت تشخیص داده شده است. البته با واریانس ناهمسانی (براساس آزمون والد) و خودهمبستگی (براساس آزمون وولدریج^۵) نیز همراه بوده‌اند برای دستیابی به نتایج کارآتر، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) (منجذب و محمودی پاتی، ۱۳۹۵) استفاده شده است.

جدول ۱. توصیف متغیرهای وابسته و مستقل

منبع	توصیف متغیر (شکل متغیر در مدل)	متغیر
------	--------------------------------	-------

1. F-Limer, Breusch-Pagan, Hausman
2. Greene, W.
3. Random Effect (RE)
4. Fixed Effect (FE)
5. Wooldridge

مجموعه داده کارآفرینی بانک جهانی	نرخ تراکم ورود به مشاغل جدید	ED
دیده بان جهانی کارآفرینی	شاخص فعالیت کارآفرینانه نوپا	TEA
بزرگ و همکاران (۲۰۲۰)	نسبت وام‌های بانکی برای کسب‌وکارهای غیرمالی به تولید ناخالص داخلی (GDP) با وقفه	NFB
	نسبت وام‌های بانکی برای کسب‌وکارهای مالی به تولید ناخالص داخلی (GDP) با وقفه	FB
	نسبت وام‌های بانکی برای مصارف خانوارها (غیر رهنی) به تولید ناخالص داخلی (GDP) با وقفه	Con
	سهم اعتبارات رهنی خانوار به تولید ناخالص داخلی (GDP) با وقفه	Mor
بانک جهانی	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) به صورت سالانه با وقفه	^۱ Gr
	لگاریتم سرانه تولید ناخالص داخلی به صورت سالانه و جاری با یک وقفه	^۲ GDPpc
مجموعه داده انجام کسب‌وکار بانک جهانی	لگاریتم متوسط تعداد مراحل مورد نیاز برای شروع یک کسب‌وکار بین مردان و زنان	^۳ SB
	نرخ بازیابی به صورت دلاری به عنوان هزینه حل و فصل ورشکستگی	^۴ RR
	لگاریتم تعداد مراحل مورد نیاز برای ثبت و انتقال املاک	^۵ RP
	لگاریتم تعداد فرآیندهای مورد نیاز جهت اعمال قراردادهای (براساس DB04-15 methodology)	^۶ EC
بانک جهانی	نرخ بهره واقعی به صورت درصد	^۷ RIR
	حجم بازار سرمایه به تولید ناخالص داخلی به صورت درصد	^۸ SMG

یکی از مراحل مهم در تخمین رگرسیون‌های اقتصادسنجی بررسی موضوع ریشه واحد متغیرهاست چراکه تخمین مدل با متغیرهایی که دارای ریشه واحد هستند، باعث شکل‌گیری رگرسیون و ضرایب کاذب می‌شود (منجذب ونصرتی، ۱۳۹۷). بنابراین، در این مطالعه از آزمون ریشه واحد فیشر بر مبنای دیکی فولر^۹ که برای پانل نامتوازن نیز مناسب بوده (Barbieri, 2006) استفاده شده است.

1 Growth Rate (Gr)

2 GDP per Capita (GDPpc)

3 Starting a Business (SB)

4 Recovery Rate (RR)

5. Registry Property (RP)

6. Enforcing Contracts (EC)

7. Real Interest Rate (RIR)

8. Stock Market Capitalization to GDP (SMG)

9. Fisher-type Unit-root Test Based on Augmented Dickey–Fuller Tests

جامعه آماری این پژوهش براساس تقسیم‌بندی اطلس بانک جهانی (۲۰۱۸) شامل دو گروه اصلی از کشورهای با درآمد بالا و با درآمد متوسط می‌باشد که در قالب یک مدل پانل نامتوازن مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به نوع متغیر وابسته و نیز محدودیت‌های داده‌ای، ۶۶ کشور را شامل ۳۵ کشور با درآمد بالا و ۳۱ کشور با درآمد متوسط را طی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۶ برای مدل (الف) و ۵۴ کشور شامل ۳۷ کشور با درآمد بالا و ۱۷ کشور با درآمد متوسط طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۱۶ برای مدل (ب) پوشش داده شده است. در جدول‌های (۲) تا (۵) داده‌های مورد استفاده در مدل‌های (الف) و (ب) به تفکیک کشورهای با درآمد بالا و با درآمد متوسط توصیف شده است.

جدول ۲. توصیف داده‌ها برای مدل الف (ED) در ۳۵ اقتصاد با درآمد بالا

نام متغیر	مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
ED	۳۷۰	۶/۲۱۵	۵/۵۲۴	۰/۰۴	۳۹/۰۴
NFB	۳۴۴	۴۴/۳۱۸۰	۲۰/۶۳۴	۱۳/۰۶۲	۱۳۱/۶۹۸
FB	۳۳۲	۱۳/۷۵۰	۱۶/۳۰۶	۰/۰۵۸	۹۲/۱۳۸
Con	۳۴۴	۹/۴۰۱	۱/۱۳۰	۵۸/۰۴۷	۱۱/۹۶۶
Mor	۳۴۴	۴۲/۵۰۳	۲۵/۵۱۱	۶/۳۷۴	۱۴۳/۱۲۳
Gr	۳۴۴	۱/۸۶۴	۳/۷۳۵	۱۴/۸۱۴-	۲۵/۱۶۲
GDPpc	۳۴۴	۴/۵۲۳	۰/۲۵۱	۳/۹۵۶	۵/۰۷۴
SB	۳۶۱	۰/۷۳۶	۰/۲۰۹	۰	۱/۱۸
RR	۳۶۱	۶۵/۳۲۸	۲۰/۴۹۰	۱۷/۸	۹۲/۹
RP	۳۶۱	۰/۶۴۳	۰/۲۳۶	۰	۱/۰۴
EC	۳۲۶	۱/۴۹۴	۰/۰۷۳	۱/۳۲	۱/۶۳
RIR	۱۴۳	۳/۱۴۸	۲/۵۳۶	۳/۸۶-	۱۴/۳۸
SMG	۳۳۷	۶۷/۶۳۸	۵۵/۰۹۶	۳/۷۲۸	۲۶۳/۷۴۷

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۳- توصیف داده‌ها برای مدل ب (TEA) برای اقتصاد با درآمد بالا

نام متغیر	مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
TEA	۴۰۵	۷/۶۰۰	۳/۸۲۲	۱/۴۸	۲۶/۸۳
NFB	۵۲۰	۴۰/۴۱۶	۱۸/۲۸۲	۹/۷۷۱	۱۳۱/۶۹۸
FB	۵۰۸	۱۲/۰۱۴	۱۴/۵۵۷	۰/۰۵۸	۹۲/۱۳۸
Con	۵۱۶	۱۰/۹۳۱	۶/۵۷۴	۰/۴۶۱	۳۵/۸۴۶
Mor	۵۱۹	۳۸/۳۰۷	۲۵/۷۱۸	۱/۰۷۶	۱۴۳/۱۲۳
Gr	۵۰۵	۲/۲۸۲	۳/۳۶۵	۱۴/۸۱۴-	۲۵/۱۶۲
GDPpc	۵۰۵	۴/۴۵۴	۰/۲۹۷	۳/۵۴۷	۵/۰۷۴
SB	۴۵۴	۰/۷۳۸	۰/۲۲۰	۰	۱/۱۷۶
RR	۴۵۴	۶۴/۵۸۵	۲۱/۷۸۲	۹/۶	۹۴/۴
RP	۴۲۴	۰/۶۴۸	۰/۲۲۷	۰	۱/۰۴۱
EC	۴۱۷	۱/۴۹۷	۰/۰۷۱	۱/۳۲۲	۱/۶۲۳
RIR	۲۴۹	۳/۵۹۳	۲/۷۲۲	۳/۸۶-	۱۴/۳۸
SMG	۴۹۵	۶۹/۳۴۶	۵۳/۲۲۴	۰/۳۴۴	۲۶۳/۷۴۷

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۴. توصیف داده‌ها برای مدل (ED) در اقتصاد با درآمد متوسط

نام متغیر	مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
ED	۳۱۱	۲/۲۳۶	۲/۸۲۶	۰/۰۲	۲۰/۰۹
NFB	۳۰۹	۲۴/۲۴۸	۱۱/۱۸۲	۴/۸۹۷	۵۴/۲۱۵
FB	۲۵۸	۲/۲۲۴	۳/۰۴۴	۰/۰۱۳	۱۷/۱۵۰
Con	۳۰۶	۸/۴۸۱	۷/۹۱۹	۰/۸۰۵	۴۸/۷۳۸
Mor	۳۰۶	۶/۶۶۶	۶/۶۴۹	۰/۱۵۶	۳۷/۷۶۶
Gr	۳۰۹	۴/۱۸۲	۴/۶۴۵	۱۴/۷۵۸-	۳۴/۴۶۶
GDPpc	۳۰۹	۳/۷۰۹	۰/۳۶۷	۲/۷۳۴	۴/۷۲۱
SB	۲۹۲	۰/۹۳۰	۰/۱۹۸	۰/۳	۱/۸۹
RR	۲۹۲	۳۴/۲۸۸	۱۵/۶۶۹	۴	۸۱/۳
RP	۲۹۲	۰/۷۶۵	۰/۲۱۷	۰	۱/۸۸
EC	۲۶۱	۱/۵۶۱	۰/۰۶۰	۱/۴۵	۱/۷۵
RIR	۲۷۹	۶/۲۶۶	۹/۴۷۴	۳۳/۶-	۴۸
SMG	۲۵۹	۳۹/۸۱۹	۳۰/۷۹۳	۰/۸۴۴	۱۴۸/۵۳۶

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۵. توصیف داده‌ها برای مدل دوم (TEA) برای ۱۷ اقتصاد با درآمد متوسط

نام متغیر	مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
TEA	۱۱۸	۱۱/۸۲۶	۶/۴۶۰	۲/۴۷	۳۳/۲۳
NFB	۲۳۸	۳۰/۱۷۸	۲۲/۶۶۹	۴/۸۰۲	۱۲۵/۶۳۹
FB	۲۲۴	۳/۴۴۶	۴/۲۰۹	۰/۰۱۳	۲۵/۲۵۸
Con	۲۳۴	۸/۱۵۷	۹/۰۴۷	۰/۳۴۷	۴۸/۳۳۹
Mor	۲۱۷	۷/۸۲۹	۸/۱۵۶	۰/۱۸۵	۳۷/۷۶۶
Gr	۲۳۸	۵/۱۳۳	۳/۷۳۲	۱۰/۸۹۴-	۱۴/۲۳۱
GDPpc	۲۳۸	۳/۵۸۲	۰/۳۳۱	۲/۸۷۴	۴/۲۰۳
SB	۱۷۷	۰/۹۵۶	۰/۱۸۶	۰/۳۰۱۰۳	۱/۲۵۵
RR	۱۷۷	۳۵/۲	۱۵/۹۷۲	۱/۹	۸۱/۳
RP	۱۶۵	۰/۷۶۰	۰/۲۰۳	۰	۰/۹۵۴
EC	۱۶۱	۱/۵۵۸	۰/۰۴۷	۱/۴۴۸	۱/۶۶۳
RIR	۱۹۷	۲/۵۸۲	۶/۵۳۹	۳۳/۵۹۷-	۲۰/۴۳۹
SMG	۲۳۸	۴۲/۶۵۷	۳۴/۰۸۹	۰/۷۳۸	۱۴۸/۵۳۶

منبع: یافته‌های پژوهش

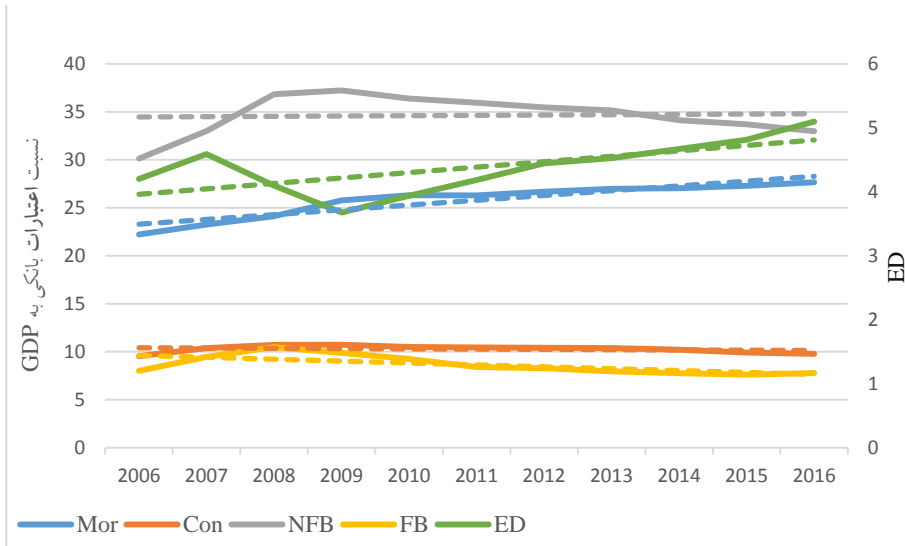
در بین اقتصادهای با درآمد بالا بیشترین نرخ تراکم ورود به کسب و کارهای جدید (ED) متعلق به اقتصاد قبرس در سال ۲۰۰۷ بوده است و کمترین آن نیز متعلق به ژاپن در سال ۲۰۰۶ است. در بین اقتصادهای با درآمد متوسط، کمترین و بیشترین مقدار این شاخص به ترتیب به پاکستان در سال ۲۰۰۹ و بوتسوانا در سال ۲۰۱۶ اختصاص دارد. چنانچه در جداول (۲) و (۴) مشاهده می‌شود به صورت میانگین نرخ تراکم ورود به کسب و کارهای جدید بانک جهانی در کشورهای با درآمد بالا از کشورهای با درآمد متوسط بیشتر بوده است. در حالی که کسب و کارهای غیر مالی در اقتصادهای با درآمد بالا نسبت به اقتصادهای با درآمد متوسط به صورت میانگین سهم کمتری از تخصیص اعتبار داشته‌اند که این می‌تواند در تناقض با ادبیات هدایت اعتبار باشد.

جداول (۳) و (۵) نشان می‌دهد که به صورت میانگین اقتصادهای با درآمد بالا نسبت به اقتصادهای با درآمد متوسط از نرخ فعالیت کارآفرینانه نوپا (TEA) کمتری برخوردار بوده‌اند و این می‌تواند تاییدی بر ادبیات هدایت اعتبار محسوب شود، زیرا در اقتصادهای با درآمد متوسط کسب و کارهای غیر مالی سهم بیشتری نسبت به اقتصادهای با درآمد بالا دارند.

بر اساس شاخص دیده بان جهانی کارآفرینی در بین اقتصادهای با درآمد بالا بیشترین و کمترین نرخ فعالیت کارآفرینانه نوپا (TEA) به ترتیب متعلق به شیلی در سال ۲۰۱۴ و ژاپن در سال ۲۰۰۴ است و در اقتصادهای با درآمد متوسط نیز بیشترین و کمترین نرخ به ترتیب به بوتسوانا ۲۰۱۵ و روسیه ۲۰۰۱ اختصاص دارد.

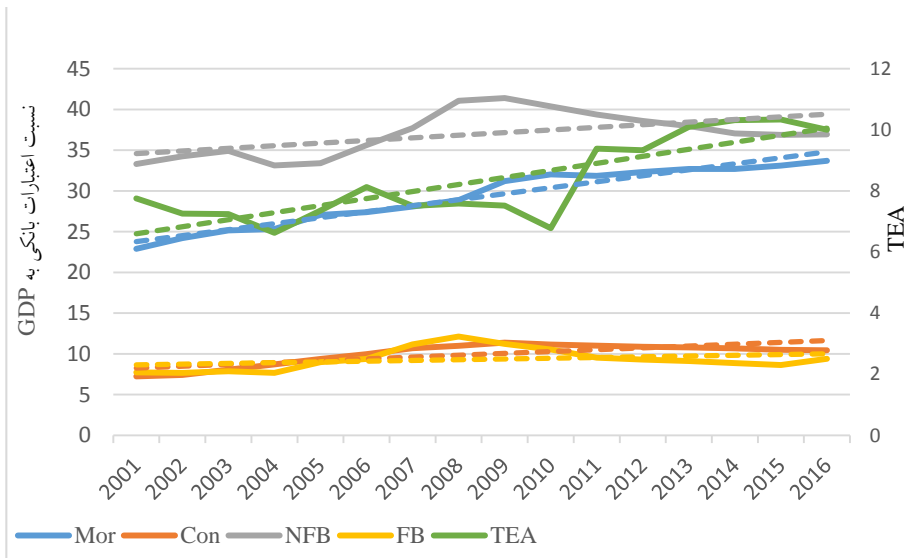
در نمودارهای (۱) و (۲) می‌توان روند انواع تخصیص اعتبار بر تولید ناخالص داخلی و هر یک از دو شاخص کارآفرینی را با خطوط ممتد و روند خطی هر متغیر با خط چین به ترتیب برای مدل (الف) در سطح همه ۶۶ اقتصاد با درآمد بالا و متوسط و نیز برای مدل (ب) در سطح همه ۵۴ اقتصاد با درآمد بالا و متوسط مشاهده کرد. منحنی‌های به تصویر کشیده شده در این نمودارها، گویای افزایش تقریبی همه متغیرهای اعتباری از جمله وام‌های رهنی خانوار و تا حدودی وام به کسب و کارهای غیرمالی نسبت به سال مبدا است. همچنین نمودارها نشان می‌دهند که هر دو شاخص کارآفرینی در مدل خود روندی افزایشی را سپری کرده‌اند. در این نمودارها به نظر همبستگی مثبتی بین روند اعتبارات تولیدی و نرخ تراکم ورود به کسب و کارهای جدید (ED) بانک جهانی وجود ندارد. اما به نظر در مدل (ب) بین روند اعتبارات تولیدی و نرخ فعالیت کارآفرینانه نوپا (TEA) می‌توان همبستگی مثبتی را مشاهده کرد. همچنین بین روند وام‌های رهنی خانوار و روند هر یک از شاخص کارآفرینی نیز می‌توان همبستگی مثبت را مشاهده کرد. با این حال ارزیابی رابطه انواع اعتبارات با کارآفرینی و پاسخ به سوال پژوهش در قالب مدل رگرسیونی و با حضور سایر متغیرهای اثرگذار در بخش چهارم این پژوهش ارائه گردیده است.

نمودار ۱ روند داده های مدل الف برای همه ۶۶ اقتصاد با درآمد بالا و متوسط



منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار ۲. روند داده های مدل ب برای همه ۵۴ اقتصاد با درآمد بالا و متوسط



منبع: یافته‌های پژوهش

۴. برآورد مدل و نتایج

در جدول‌های (۶) و (۷) نتایج برآورد نهایی برای هر دو مدل (الف) و (ب) یکبار بدون متغیر کنترلی اضافه (۱)، یکبار با متغیر کنترلی نرخ بهره حقیقی (۲) و یکبار با متغیر کنترلی نسبت بازار سرمایه به تولید ناخالص داخلی (۳) و به تفکیک در قالب دو جدول به ترتیب برای اقتصادهای با درآمد بالا و اقتصادهای با درآمد متوسط گزارش شده است.

جدول ۶. نتایج برآوردی برای کشورهای با درآمد بالا

متغیر	الف) ED (WB)			ب) TEA (GEM)		
	۱	۲	۳	۱	۲	۳
NFB	۰/۰۰۸۷ (۰/۰۱۱۲)	۰/۰۱۲۸- (۰/۰۲۲۶)	۰/۰۰۰۹ (۰/۰۱۳۱)	*۰/۰۱۷۹ (۰/۰۰۸۹)	*۰/۰۶۲۴ (۰/۰۱۷۶)	**۰/۰۱۶۹ (۰/۰۰۸۹)
FB	*۰/۰۵۵۸ (۰/۰۱۶۳)	*۰/۱۴۴۷ (۰/۰۲۵۰)	*۰/۰۷۴۲ (۰/۰۱۶۵)	***۰/۰۱۹۶ (۰/۰۱۲۴)	*۰/۰۵۲۲ (۰/۰۱۹۴)	*۰/۰۳۱۳ (۰/۰۱۱۶)
Con	*۰/۰۹۱۴ (۰/۰۳۰۷)	۰/۱۱۸۰- (۰/۰۸۹۷)	*۰/۱۰۸۹ (۰/۰۳۵۰)	*۰/۰۶۹۲- (۰/۰۲۱۴)	*۰/۱۴۸۵- (۰/۰۳۹۳)	***۰/۰۳۵۷- (۰/۰۲۴۱)
Mor	*۰/۰۲۹۴ (۰/۰۰۸۳)	۰/۰۰۵۰ (۰/۰۱۲۲)	*۰/۰۱۸۴ (۰/۰۰۹۱)	*۰/۰۱۳۶ (۰/۰۰۶۳)	۰/۰۰۸۳ (۰/۰۱۴۷)	***۰/۰۱۰۶ (۰/۰۰۷۲)
Gr	*۰/۱۲۹۱ (۰/۰۳۲۵)	*۰/۱۰۸۹ (۰/۰۵۴۸)	*۰/۱۰۳۲ (۰/۰۳۹۲)	*۰/۲۰۰۰ (۰/۰۳۹۷)	*۰/۲۷۵۵ (۰/۰۶۳۷)	*۰/۱۹۰۳ (۰/۰۴۳۰)
GDPpc	*۳/۰۸۶۰- (۰/۰۹۱۷۳)	*۴/۰۳۷۶- (۱/۰۷۲۹۵)	**۱/۶۰۸۰- (۰/۰۹۶۳۱)	*۶/۶۴۰۸- (۰/۰۸۳۹۸)	*۶/۲۴۰۵- (۲/۰۷۹۹۹)	*۶/۰۶۴۷- (۰/۰۸۶۱۵)
SB	*۹/۰۹۴۱- (۰/۰۸۹۵۷)	*۱۰/۲۰۱۶- (۱/۰۶۳۵۴)	*۸/۳۳۷۹- (۱/۰۳۱۴)	*۴/۰۸۸۴- (۰/۰۹۱۴۲)	*۱۶/۱۰۳۸- (۱/۰۷۵۵۸)	*۳/۲۲۷۷- (۱/۰۰۳۶)
RR	*۰/۰۳۳۴- (۰/۰۰۸۳)	۰/۰۰۸۳ (۰/۰۱۴۱)	*۰/۰۳۸۹۸- (۰/۰۰۸۳)	*۰/۰۲۳۳- (۰/۰۰۸۶)	*۰/۰۵۳۴- (۰/۰۲۲۸)	*۰/۰۲۴۶- (۰/۰۰۸۹)
RP	۰/۷۴۰۴- (۰/۰۶۵۸۶)	۲/۹۳۵۹- (۲/۳۲۷۵)	*۱/۵۵۰۱- (۰/۰۷۱۴۸)	*۲/۰۸۲۹- (۰/۰۵۹۸۱)	*۱۰/۰۷۰۷۹ (۱/۰۷۵۰۴)	*۲/۴۸۰۰- (۰/۰۶۳۶۴)
EC	**۳/۶۴۸۱- (۱/۰۹۵۸۶)	۱/۲۰۸۰- (۳/۱۰۰۳)	۰/۸۳۰۷ (۲/۲۶۰۰)	*۴/۸۳۰۳- (۲/۳۰۴۱)	۶/۷۳۸۲ (۵/۰۹۲۰)	*۵/۱۶۱۴- (۲/۰۵۶۶۸)
RIR		***۰/۱۴۹۶ (۰/۰۱۰۰۸)			۰/۰۷۱۰ (۰/۰۱۰۶۳)	
SMG			*۰/۰۰۶۸ (۰/۰۰۳۳)			۰/۰۰۰۸ (۰/۰۰۳۸)
عرض از مبداء	*۳۰/۱۸۵۶ (۵/۰۱۴۶۹)	*۳۳/۲۶۷۲ (۸/۴۰۴۱)	*۱۷/۰۳۴۹ (۵/۰۹۶۸۸)	*۴۹/۵۱۹۹ (۴/۰۹۸۴۴)	*۳۱/۸۵۷۷ (۱۰/۰۶۷۴۸)	*۴۶/۵۴۴۵ (۵/۰۳۷۶۷)

*، **، *** به ترتیب خطای ۵، ۱۰ و ۱۵ درصد
 اعداد درون پرانتز انحراف معیار را نشان می‌دهد.
 منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج منعکس شده در جدول (۶) برای اقتصادهای با درآمد بالا نشان می‌دهد که تخصیص اعتبار به کسب و کارهای غیرمالی با شاخص تراکم ورود به کسب و کارهای جدید (ED) بانک جهانی رابطه معناداری ندارد، اما رابطه تخصیص اعتبار به کسب و کارهای مالی با نرخ تراکم ورود به کسب و کارهای جدید مثبت و معنادار است. همچنین رابطه مثبت و معناداری بین وام‌های مصرفی (غیر رهنی) خانوار با تراکم ورود به کسب و کارهای جدید (ED) وجود دارد، اما اغلب رابطه مثبت و معنی‌داری بین این شاخص بانک جهانی با وام‌های رهنی خانوار وجود دارد. بنابراین، نمی‌توان اثر مثبت هدایت اعتبار بر تراکم ورود به کسب و کارهای جدید (ED) را در کشورهای با درآمد بالا تایید کرد.

نتایج برآورد مدل (ب) نشان می‌دهد که رابطه بین فعالیت کارآفرینانه نوپا (TEA) با تخصیص اعتبار به سمت کسب و کارهای مالی و غیرمالی مثبت و معنادار است. همچنین رابطه این شاخص کارآفرینی دیده‌بان جهانی کارآفرینی با تخصیص اعتبار به سمت مصارف (غیر رهنی) خانوار منفی است و وام‌های رهنی با این متغیر وابسته مدل (ب) اغلب رابطه مثبت دارد. بنابراین، براساس مدل (ب) نیز نمی‌توان فرضیه اثر مثبت هدایت اعتبار بر کارآفرینی را در کشورهای با درآمد بالا تایید کرد.

بررسی متغیرهای کنترلی برای مدل (الف) نشان می‌دهد که رابطه شاخص کارآفرینی با نرخ رشد اقتصادی به عنوان جلوه‌ای از فرصت‌های شغلی جدید کاملاً مثبت و معنادار است، اما افزایش درآمد سرانه در این گروه از کشورها رابطه عکسی با ارتقای شاخص بیان شده دارد. همچنین مطابق با آنچه انتظار می‌رود با افزایش تعداد رویه‌های شروع، ثبت و انتقال مالکیت، اعمال قراردادهای و افزایش هزینه حل و فصل ورشکستگی در یک اقتصاد، نرخ کارآفرینی کاهش می‌یابد.

جدول (۶) همچنین نشان می‌دهد که نرخ بهره حقیقی و نسبت بازار سرمایه به تولید ناخالص داخلی رابطه مستقیم و ضعیفی با متغیر وابسته مدل (الف) دارند.

در جدول (۷) نتایج برآورد مدل‌های (الف) و (ب) برای اقتصادهای با درآمد متوسط گزارش شده است. نتایج برای مدل (الف) نشان می‌دهد شاخص تراکم ورود کسب و کارهای جدید (ED) بانک جهانی با تخصیص اعتبار به سمت هر یک از کسب و کارهای مالی و غیرمالی و نیز خانوارها اعم از رهنی و غیررهنی به لحاظ آماری رابطه معنی‌داری ندارد. بنابراین نمی‌توان فرضیه مثبت بودن اثر هدایت اعتبار بر کارآفرینی را برای کشورهای با

درآمد متوسط رد یا تایید کرد. نتایج مدل (ب) نشان می‌دهد که تخصیص اعتبار به سمت کسب و کارهای غیرمالی با شاخص کارآفرینی دیده‌بان جهانی کارآفرینی یعنی نرخ فعالیت کارآفرینانه نوپا (TEA) رابطه مستقیم و معنادار دارد، اما تخصیص اعتبار به سمت کسب و کارهای مالی در این اقتصادها نمی‌تواند باعث افزایش کارآفرینی شود. همچنین رابطه تخصیص اعتبار برای مصارف (غیررهنی) خانوار با شاخص کارآفرینی همیشه مثبت و معنی‌دار است، اما رابطه وام‌های رهنی با شاخص کارآفرینی بیان شده، منفی است. بنابراین، دیدگاه هدایت اعتبار مبنی بر اثر مثبت هدایت اعتبار بر کارآفرینی در مدل (ب) برای کشورهای با درآمد متوسط رد نمی‌شود.

نتایج جدول (۷) همچنین برای هر دو مدل (الف) و (ب) نشان می‌دهد تعداد فرآیندهای اجرای قرارداد تاثیر منفی قابل توجهی بر هر دو شاخص کارآفرینی در کشورهای با درآمد متوسط دارد.

جدول ۷. نتایج برآوردی در کشورهای با درآمد متوسط

مدل	الف - ED (WB)			ب - TEA (GEM)		
	۱	۲	۳	۱	۲	۳
متغیر						
NFB	۰/۰۱۷۳- (۰/۰۲۱۴)	۰/۰۳۲۶- (۰/۰۳۱۴)	۰/۰۲۹۲- (۰/۰۲۶۳)	*۰/۱۰۴۵ (۰/۰۴۹۷)	*۰/۰۹۹۲ (۰/۰۳۶۲)	*۰/۱۲۵۵ (۰/۰۵۹۹)
FB	۰/۰۶۱۸- (۰/۱۱۸۱)	۰/۰۸۳۱- (۰/۱۳۸۲)	۰/۰۵۱۳- (۰/۱۳۰۵)	۰/۰۲۱۶- (۰/۲۴۳۴)	۰/۱۰۷۳- (۰/۱۹۹۲)	۰/۱۱۵۲۳۹ (۰/۳۰۳۷)
Con	۰/۰۱۲۲ (۰/۰۴۰۰)	۰/۰۰۹۶ (۰/۰۴۷۹)	۰/۰۰۲۳ (۰/۰۳۹۳)	*۰/۳۴۴۰ (۰/۰۷۰۳)	*۰/۳۶۰۸ (۰/۰۶۲۵)	*۰/۴۶۰۲ (۰/۰۸۶۱)
Mor	۰/۰۶۲۸ (۰/۰۴۷۱)	۰/۰۵۸۸ (۰/۰۶۳۵)	۰/۰۵۸۳ (۰/۰۵۳۵)	*۰/۵۶۸۱- (۰/۱۴۳۵)	*۰/۵۸۶۵- (۰/۱۳۵۹)	*۰/۵۹۴۶- (۰/۱۴۶۸)
Gr	۰/۰۲۴۵ (۰/۰۱۸۷)	۰/۰۱۷۲ (۰/۰۲۲۶)	۰/۰۱۸۴ (۰/۰۱۶۸)	۰/۱۰۱۳ (۰/۱۲۰۴)	*۰/۳۴۴۹ (۰/۱۱۳۴)	۰/۱۲۰۱ (۰/۱۱۷۸)
GDPpc	۱/۹۶۲۰- (۰/۸۳۷۴)	*۲/۵۰۱۰ (۱/۱۷۹۱)	۰/۲۷۶۵ (۰/۷۸۶۱)	**۴/۵۰۴۳- (۲/۵۳۲۱)	۱/۸۶۱۹- (۲/۱۹۱۹)	۱/۲۳۱۴- (۲/۵۷۷۲)
SB	**۱/۹۶۲۰- (۱/۳۳۶۷)	۱/۹۹۶۳- (۱/۶۷۱۴)	**۲/۳۹۴۷- (۱/۵۴۱۹)	*۲۸/۸۱۳ (۴/۶۷۳۲)	*۳۵/۷۳۰۰ (۴/۹۰۲۵)	*۳۵/۲۳۵۸ (۵/۲۲۲۴)

ادامه جدول ۷.

الف- ED (WB)			ب- TEA (GEM)			مدل
۰/۰۱۳۵ (۰/۰۱۹۵)	۰/۰۰۸۲ (۰/۰۲۳۵)	۰/۰۰۷۲ (۰/۰۱۷۷)	۰/۰۳۹۴ (۰/۰۳۳۴)	۰/۰۱۰۸- (۰/۰۲۹۸)	**۰/۰۸۱۱۸ (۰/۰۴۵۷)	RR
۰/۱۸۰۴ (۱/۱۷۶۲)	۰/۰۷۲۴ (۱/۴۴۶۸)	۰/۱۸۵۲ (۱/۱۶۴۷)	*۱۵/۸۰۱۷- (۴/۹۴۴۵)	*۲۱/۷۰۵۲- (۴/۰۰۹۷)	۲/۷۸۷۹ (۹/۸۰۹۵)	RP
*۱۷/۳۶۰۱- (۸/۰۴۳۲)	***۱۳/۹۳۸- (۸/۹۶۲۳)	۲/۱۳۲۸- (۹/۴۳۵۹)	*۷۹/۹۹۸- (۱۷/۷۸۳۷)	*۹۲/۶۷۴۸- (۱۶/۰۰۴۳)	*۵۸/۵۵۵۵- (۲۷/۵۳۰۳)	EC
	**۰/۰۲۵۷- (۰/۰۱۴۷)			۰/۰۱۹۸ (۰/۱۱۰۹)		RIR
		۰/۰۰۶۰- (۰/۰۰۸۲)			۰/۰۳۲۸- (۰/۰۳۲۹)	SMG
*۲۶/۴۱۵۳ (۱۲/۶۱۵۴)	۱۷/۴۲۷۹ (۱۴/۲۴۱۳)	۷/۳۳۶۱ (۱۴/۹۱۷۱)	*۱۳۳/۷۶۴۵ (۳۲/۱۷۶۵)	*۱۴۳/۵۰۰ (۲۸/۴۱۳۳)	۶۴/۱۸۰۹ (۴۶/۲۵۰۹)	عرض از مبداء

*، **، *** به ترتیب خطای ۵، ۱۰، ۱۵ درصد

اعداد درون پرانتز انحراف معیار را نشان می‌دهد.

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به منظور بررسی اثر ترکیب اعتبارات اعطایی بر کارآفرینی از دو شاخص مرسوم نرخ تراکم ورود کسب‌وکارهای جدید (ED) بانک جهانی و نرخ فعالیت کارآفرینانه نوپا (TEA) دیده بان جهانی کارآفرینی استفاده شد. حسب استفاده از این دو شاخص به عنوان متغیر وابسته دو مدل تصریح شد و به ترتیب ۶۶ اقتصاد جهان طی دوره ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ در قالب مدل (الف) و ۵۴ اقتصاد جهان طی بازه ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶ در قالب مدل (ب) به تفکیک سطح درآمد بالا و متوسط مورد بررسی قرار گرفت. نتایج برای کشورهای با درآمد بالا حاکی از اثر مثبت تخصیص اعتبار به کسب‌وکارهای مالی بر شاخص‌های کارآفرینی است. همچنین رابطه مثبت و معنی‌داری بین شاخص کارآفرینی با وام‌های رهنی خانوار در این کشورها یافت شد که می‌تواند ناشی از اثر مثبت این وام‌ها بر تامین اعتبار مالی مشاغل باشد (Bezmer et al., 2020). در مقابل، در مدل (ب) و در سطح ۱۷ اقتصاد با درآمد متوسط می‌توان مشابه جها و بویان (۲۰۱۹) اثر هدایت اعتبار بر کارآفرینی را مثبت ارزیابی کرد.

بررسی متغیرهای کنترلی برای هر دو مدل (الف) و (ب) در کشورهای با درآمد بالا نشان می‌دهد که رابطه شاخص‌های کارآفرینی با نرخ رشد اقتصادی به عنوان جلوه‌ای از فرصت‌های شغلی جدید همچون چمبرس و موونمو^۱ (۲۰۱۷)، لئون (۲۰۱۹)، کلپر و همکاران (۲۰۱۵) کاملاً مثبت و معنادار است. همچنین مشابه کلپر و لاو^۲ (۲۰۱۱) با افزایش تعداد رویه‌های شروع، ثبت و انتقال مالکیت، اعمال قراردادهای و افزایش هزینه حل و فصل ورشکستگی در یک اقتصاد، نرخ کارآفرینی در این کشورها کاهش می‌یابد. در این بین تعداد مراحل شروع یک کسب‌وکار جدید برای اقتصادهای با درآمد بالا و تعداد مراحل اجرای قرارداد برای کشورهای با درآمد متوسط می‌تواند بیشترین اثر منفی را بر شاخص‌های کارآفرینی داشته باشد.

این پژوهش مشابه بک و همکاران^۳ (۲۰۱۲) تاثیر مثبت وام دهی به بنگاه‌های اقتصادی بر بخش حقیقی (از طریق کارآفرینی) در کشورهای با درآمد بالا را تایید می‌کند. براساس نتایج برای کشورهای در حال توسعه، تنها وام‌دهی به بنگاه‌های غیرمالی می‌تواند اثر مثبت و معنادار بر بخش حقیقی اقتصاد داشته باشد. همچنین پژوهش پیش رو نتیجه مطالعه بزرگ و همکاران (۲۰۲۰) را مبنی بر مثبت بودن اثر وام‌های رهنی بر دسترسی مشاغل به اعتبار مالی در کشورهای توسعه یافته و اثر منفی این وام‌ها بر اعتبار مشاغل و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه را تایید می‌کند.

تقسیم‌بندی تولیدی و غیرتولیدی بزرگ (۲۰۱۹) از وام‌های بانکی و آثار متفاوت انواع اعتبار برای کشورهای در حال توسعه تایید می‌شود، اما این تقسیم‌بندی برای کشورهای توسعه یافته مورد تایید قرار نمی‌گیرد. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان کارکردهای مختلف اعتبار بسته به محل اصابت را که توسط برخی محققین نظیر ورنر (۲۰۰۵)، بزرگ (۲۰۱۴) و جوردا و همکاران^۴ (۲۰۱۶) توصیه می‌شود، تایید کرد.

اختلاف در نتایج مدل‌های (الف) و (ب) می‌تواند ناشی از وجود تفاوت در بازه زمانی، کشورهای مورد بررسی و تعاریف دو شاخص کارآفرینی باشد. همچنین تفاوت بخشی از نتایج پژوهش با ادبیات هدایت اعتبار می‌تواند ناشی از دو دلیل باشد؛ اول اینکه شومپتر وقتی

1. Chambers, D. & Munemo, J.
2. Love, I.
3. Beck et al.
4. Jorda et al.

از کارآفرین صحبت می‌کند نظر به افرادی دارد که به تعبیر خودش «حرکت‌کننده اول»^۱ هستند؛ افراد توانمندی که قابلیت گرد هم آوردن عوامل تولید برای استفاده از فرصت‌های اقتصادی و ارائه محصولات جدید، توسعه روش‌های جدید سازماندهی یا دستیابی به بازارهای جدید را دارند. بنابراین، دو شاخص تراکم ورود به کسب و کارهای بانک جهانی و نرخ فعالیت کارآفرینانه نوپا دیده بان جهانی کارآفرینی احتمالاً سنج (پراکسی)‌های کاملی برای مفهوم کارآفرینی در ادبیات توسعه اقتصادی به ویژه از منظر شومپتر به عنوان متفکر اصلی این حوزه نیستند. چنانچه کارآفرینی شومپتر فقط شامل شروع کسب و کارها نمی‌شود، بلکه وی بر مفهوم «شناخت و تحقق فرصت‌های جدید اقتصادی» (Kilbach et al., 2008) تاکید می‌کند. دوم اینکه بازه زمانی مورد بررسی در این پژوهش، به دلیل محدودیت داده‌ها، شامل دوره ۱۹۴۵-۱۹۸۰ که با وسعت بیشتری از سیاست‌های هدایت اعتبار استفاده شده بود، نمی‌شود.

۱-۵. پیشنهادات سیاستی

بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از اشکال مختلفی از سیاست هدایت اعتبار از جمله سیاست‌های مقداری و سهمیه بندی اعتباری به بخش‌های دارای اولویت و بیشتر غیرمالی استفاده کرده‌اند. در این پژوهش نیز در سطح کشورهای با درآمد متوسط اثر هدایت اعتبار بر کارآفرینی نوپا مثبت و معنی‌دار ارزیابی شد. بنابراین، استفاده از سیاست هدایت اعتبارات بانکی از جمله سهمیه بندی در تخصیص اعتبارات به سمت بخش‌های دارای اولویت می‌تواند به عنوان یک پیشنهاد سیاستی بررسی و در دستور کار کشورهای در حال توسعه قرار گیرد. این پیشنهاد برای ایران نیز که در زمره کشورهای در حال توسعه طبقه‌بندی می‌شود، می‌تواند صدق کند.

ارزیابی اثر انواع اعتبارات بانکی بر کارآفرینی و نیز مرور برخی مطالعات نشان داد که باید در سیاست‌گذاری اعتباری بین انواع اعتبار بر حسب محل تخصیص تمایز قائل شد. به طور مشخص، در کشورهای در حال توسعه تخصیص اعتبار به کسب و کارهای غیرمالی و مصارف غیررهنی خانوار اولویت دارد.

همچنین هدایت اعتبار نافی اهمیت محیط کسب و کار برای شکل‌گیری و توسعه کارآفرینی نیست، بلکه نتایج نشان می‌دهد که کاهش تعداد مراحل ثبت و راه‌اندازی یک کسب‌وکار جدید برای اقتصادهای با درآمد بالا و کاهش تعداد مراحل اجرای قراردادها از طریق بهبود فرآیندهای قضایی و حقوقی برای کشورهای با درآمد متوسط می‌تواند اثر مثبت و قابل توجهی بر ارتقاء کارآفرینی داشته باشد.

پژوهش حاضر با محدودیت داده اعتبارات بانکی برای برخی کشورها و نیز سنجه مناسب برای کارآفرینی شومپتری مواجه بود. بنابراین پیشنهاد می‌شود علاوه بر توجه بیشتر به تفکیک اعتبار و آثار انواع اعتبار بر اقتصاد، در صورت امکان، سنجه‌های متناسب‌تری برای کارآفرینی و هدایت اعتبار جهت بررسی آثار سیاست‌های هدایت اعتبار بر توسعه کارآفرینی در پژوهش‌های آتی استفاده شود. همچنین در صورت وجود داده‌های کافی و مناسب موضوع پژوهش، می‌توان به صورت مصداقی یک کشور خاص را نیز مورد مطالعه قرار داد تا در نهایت بتوان با اطمینان بیشتری از تایید نظریه و توصیه‌های آن براساس داده‌های تجربی سخن گفت.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Shahin Behdarvand

 <http://orcid.org/0000-0001-7697-730X>

Ali Nassiri Aghdam

 <http://orcid.org/0000-0002-2989-2271>

Mohammad Ghasemi Sheshdeh

 <http://orcid.org/0000-0001-6337-0197>

منابع

- احمدیان، اعظم و امیری، حسین. (۱۳۹۴). اثر سرکوب مالی بر سرمایه‌گذاری. *مطالعات تجربی اقتصاد/یران*، ۱۱(۱)، ۱-۱۸.
- جوادی، شاهین و نعیمی، زهرا. (۱۳۹۵). پایش محیط کسب و کار ایران در زمستان ۱۳۹۴ (ارزیابی ۲۳۳ شکل اقتصادی سراسر کشور از مولفه‌های ملی محیط کسب و کار در ایران). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی (گروه مطالعاتی محیط کسب و کار)، ۱-۴۴.
- چراتیان، ایمان و قربانی، سعید. (۱۳۹۳). تحلیل آثار سیاست‌های پولی و مالی بر کارآفرینی (با تاکید بر بخش زنان). *توسعه کارآفرینی*، ۷(۴)، ۷۳-۹۳.

- خاندوزی، سیداحسان و مقیسه، محسن. (۱۳۹۷). نقد برنامه های توسعه ایران از منظر ارتباط بخش مالی و واقعی. پژوهش نامه انتقادی متون برنامه های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ماهنامه علمی-پژوهشی، ۱۸(۹)، ۱۱۵-۱۳۸.
- درودیان، حسین. (۱۳۹۵). هدایت خلق اعتبار؛ آنچه درباره معجزه شرق آسیا نمی دانیم نوشتار ۱: پول (اعتبار) و توسعه. جستارهای مبین (نشریه ی الکترونیکی موسسه مطالعات و تحقیقات مبین)، ۴(۴۵)، ۱-۱۵. [HTTP://JOSTAR.MRSI.IR/VOL.4/JOSTAR45.PDF](http://jostar.mrsi.ir/vol.4/jostar45.pdf)
- شهنازی، روح اله و دهقان شعبانی، زهرا. (۱۳۹۰). بررسی تاثیر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب. پژوهشنامه اقتصادی، ۱۱(۳)، ۱۶۱-۱۸۵.
- عابدی، محمد. (۱۳۹۸). سیاست های هدایت اعتبار و تامین مالی کسب و کارهای غیرمالی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی (ره).
- فهام، الهام و پرهیزگار، مرتضی. (۱۳۹۷). جایگاه توسعه کارآفرینی در سیاست ها و برنامه های ملی کشور. سیاست های راهبردی و کلان، ۶(۲۲)، ۴۷-۶۵.
- قباشی، نسیم و بنی طباطبایی، سیدمهدی. (۱۳۹۸). نظریه پولی تولید و نقش پول در توسعه، ششمین همایش سالانه اقتصاد مقاومتی-نظام بانکی در خدمت تولید، ۱-۱۷.
- نصیری اقدم، علی. (۱۳۹۸). سیاست پولی و هدایت اعتبار، بیست و نهمین کنفرانس سالانه بانکداری اسلامی، تهران: بانک مرکزی ایران (موسسه بانکداری ایران).
- محمودی، ابراهیم، محمدی خیاره، محسن، مظهری، رضا و خیراندیش، مسعود. (۱۳۹۶). تحلیل سیاست های پولی بر کارآفرینی، سومین کنفرانس سالانه مدیریت و کسب و کار، تهران، سیویلیکا. منجذب، محمدرضا و محمودی پاتی، محسن. (۱۳۹۵). اندازه دولت و تورم در کشورهای در حال توسعه: رهیافت پانل دیتا. تحقیقات مدل سازی اقتصادی، ۷(۲۶)، ۶۵-۸۷.
- منجذب، محمدرضا و نصرتی، رضا. (۱۳۹۷). مدل های اقتصادسنجی پیشرفته همراه با ایوریوز و استاتاستیک. تهران: موسسه کتاب مهربان نشر.

References

- Abedi, M. (2020). *Credit guidance policies and financing non-financial businesses* [Allameh Tabataba'i University Faculty of Economics]. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/0f9f60e97b141f3e5092266d2521da2e..> [In Persian]
- Abiad, A., Detragiache, E., & Tressel, T. (2010). A New Database of Financial Reforms. *IMF Staff Papers*, 57(2), 281-302. <https://doi.org/10.1057/imfsp.2009.23>
- Ahmadiyan, A., & Amiri, H. (2016). The Effect of financial repression on

- Investment. *The Emperical Studies of Iranian Economic*, 1, 1–18. http://iues.ilam.ac.ir/article_17867.html [In Persian]
- Battiston, S., Guerini, M., Napoletano, M., & Stolbova, V. (2018). Financialization in EU and the effects on growth, inequality and financial stability. In *Working paper, Innovation-Fuelled, Sustainable, Inclusive Griowth (ISIGROWTH) WP series* (No. 649186; Issue 36).
- Beck, T., Büyükkarabacak, B., Rioja, F. K., & Valev, N. T. (2012). Who Gets the Credit? And Does It Matter? Household vs. Firm Lending Across Countries. *The B.E. Journal of Macroeconomics*, 12(1), 1–46. <https://doi.org/https://doi.org/10.1515/1935-1690.2262>
- Bezemer, D. J. (2014). Schumpeter might be right again: the functional differentiation of credit. *Journal of Evolutionary Economics*, 24(5), 935–950.
- Bezemer, Dirk, Ryan-Collins, J., & Zhang, L. (2018). Credit where it's due: A historical, theoretical and empirical review of credit guidance policies in the 20th century. In *Working Paper IIPP* (December). <https://www.ucl.ac.uk/bartlett/public-purpose/wp2018-11>
- Bezemer, Dirk, Samarina, A., & Zhang, L. (2020). Does mortgage lending impact business credit? Evidence from a new disaggregated bank credit data set. *Journal of Banking and Finance*, 113(c), 1–49. <https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2020.105760>
- Bezemer, Drick. (2019). *The Economic Consequences of The Global 'Debt Shift.'* Private Debt Project. <https://privatedebtproject.org/pdp/view-articles.php?The-Economic-Consequences-of-The-Global-Debt-Shift-40>
- Chambers, D., & Munemo, J. (2017). *The impact of regulations and institutional quality on entrepreneurship* (October 19). MERCATUS Working Paper. <https://doi.org/10.2139/ssrn.3066312>
- Cheratian, Iman, and Saeed Ghorbani. 2014. Analysis the Effects of Fiscal and Monetary Policies on Entrepreneurship (With Focus on Women). *Journal of Entrepreneurship Development* 7(4): 773–93. [In Persian]
- Cumming, D., Deloof, M., Manigart, S., & Wright, M. (2019). New directions in entrepreneurial finance. *Journal of Banking and Finance*, 100(c), 252–260. <https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2019.02.008>
- DoingBusiness. (2019). *Doing Business2020*. World Bank Group. <https://doi.org/10.1596/978-1-4648-1440-2>
- Doroodian, H.(2017). Guidance the Creation of Credit; What We Do Not Know About the East Asian Miracle Article 1: Money (Credit) and Development. *Mobin research (Electronic Journal of Mobin research and Studies institute)* 4(45): 1–15. [In Persian]

- Fagiolo, G., Giachini, D., & Roventini, A. (2020). Innovation, finance, and economic growth: an agent-based approach. *Journal of Economic Interaction and Coordination*, 15, 703–736. <https://doi.org/10.1007/s11403-019-00258-1>
- Faham, E., & Parhizkar, M. (2018). The Position of Entrepreneurship Development in National Policies and Programs in Iran. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 6(22), 41–60. [In Persian] http://www.jmsp.ir/article_59873.html
- Fry, M. J. (1995). Financial development in Asia: some analytical issues. *Asian-Pacific Economic Literature*, 9(1), 40–57.
- Galindo, M.-Á., & Méndez, M. T. (2014). Entrepreneurship, economic growth, and innovation: Are feedback effects at work? *Journal of Business Research*, 67(5), 825–829.
- Ghobashi, N., & Bani Taba, S. M. (2020). The monetary theory of production and the role of money in development. *Sixth Annual Conference on Resistance Economy-Banking in the Service of Production*, 1–17. [In Persian]
- Gnyawali, D. R., & Fogel, D. S. (1994). Environments for entrepreneurship development: key dimensions and research implications. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 18(4), 43–62.
- Greene, W. H. (2018). *Econometric Analysis* (Eighth Edi). The Stern School of Business New York University.
- He, C., Lu, J., & Qian, H. (2019). Entrepreneurship in China. *Small Business Economics*, 52(3), 563–573. <https://doi.org/10.1007/s11187-017-9972-5>
- Javadi, S., & Naimi, Z. (2016). *Study of Iran's business environment in the winter of 2015 (evaluation of 233 economic organizations across the country from the national components of the business environment in Iran)* (No. 14919; Working Paper). [In Persian]
- Jha, C. K., & Bhuyan, R. (2020). Do financial reforms promote entrepreneurship? *Finance Research Letters*, 34(101272), 1–6.
- Jordà, Ò., Schularick, M., & Taylor, A. M. (2016). The great mortgaging: housing finance, crises and business cycles. *Economic Policy*, 31(85), 107–152.
- Keilbach, M., Tamvada, J. P., & Audretsch, D. B. (2008). *Sustaining entrepreneurship and economic growth: lessons in policy and industry innovations from Germany and India* (first). Springer-Verlag New York & Business Media.
- Kerr, W., & Nanda, R. (2009). *Financing constraints and entrepreneurship* (No. 15498; Working Paper Series). <https://doi.org/10.3386/w15498>

- Khondouzi, S. E., Moghiseh., M. (2018). Critique of Iran's Development Plans in Terms of Financial Sector and Real Sector Communication. *Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences* 18(9): 115–38. [In Persian]
- King, R. G., & Levine, R. (1993a). Finance, entrepreneurship and growth: Theory and evidence. *Journal of Monetary Economics*, 32(3), 513–542.
- King, R. G., & Levine, R. (1993b). Finance and Growth: Schumpeter Might Be Right*. *The Quarterly Journal of Economics*, 108(3), 717–737. <https://doi.org/10.2307/2118406>
- Klapper, L., Amit, R., Guillén, M. F., & Quesada, J. M. (2007). Entrepreneurship and firm formation across countries. In J. Lerner & A. Schoar (Eds.), *International Differences in Entrepreneurship* (pp. 129–158). University of Chicago Press.
- Klapper, L., & Love, I. (2011). The impact of the financial crisis on new firm registration. *Economics Letters*, 113(1), 1–4.
- Klapper, L., Love, I., & Randall, D. (2015). New firm registration and the business cycle. In *International Entrepreneurship and Management Journal* (No. 6775; 07 November, Vol. 11, Issue 2). <https://doi.org/10.1007/s11365-014-0345-0>
- Klapper, L., Meunier, F., & Diniz, L. (2014). Entrepreneurship around the world--before, during, and after the crisis. *Smart Lessons*, 1–3.
- Lee, H. J. (2019). What factors are necessary for sustaining entrepreneurship? *Sustainability (Switzerland)*, 11(3022), 1–20. <https://doi.org/10.3390/su11113022>
- Lehotzky, S. C. (2021). *Productive credit?* [University of Groningen]. https://feb.studenttheses.ub.rug.nl/27916/1/Lehotzky_Thesis.pdf
- Léon, F. (2019). Long-term finance and entrepreneurship. *Economic Systems*, 43(100690), 1–19. <https://doi.org/10.1016/j.ecosys.2018.10.004>
- Liu, Z., Wu, H., & Wu, J. (2019). Location-based tax incentives and entrepreneurial activities: evidence from Western Regional Development Strategy in China. *Small Business Economics*, 15(2), 1–14. <https://doi.org/10.1007/s11187-017-9982-3>
- Mahmoudi, I., Mohammadi Khyareh, M., Mazhari, R., Kheirandish, M., (2017). Analysis of Monetary Policy on Entrepreneurship Development. In *Third Annual Conference on Business Management and Economics* (pp. 1-9), Tehran: Civilica. [In Persian]
- Monjazez, M. R., Mahmoodi Pati, M. (2017). Government Size and Inflation in Developing Countries: A Panel Data Approach. *Journal of Economic Modeling Research* 7(26): 65–87. [In Persian]

- Monjazebe, M. R., Nosrati, R. (2017). *Advanced Econometrics Models: Using Eviews and Stata*. Tehran: Mehraban Book Publishing Institute. [In Persian]
- Monnet, E. (2014). Monetary Policy without Interest Rates: Evidence from France's Golden Age (1948 to 1973) Using a Narrative Approach. *American Economic Journal: Macroeconomics*, 6(4), 137–169. <http://www.jstor.org/stable/43189942>
- Nassiri Aghdam, A. (2018). Monetary Policy and Credit Guidance. In *29th Annual Islamic Banking Conference* (pp. 1-18), Tehran: Central Bank of Iran (Iran Banking Institute). [In Persian]
- Palley, T. (2016). *Financialization: the economics of finance capital domination*. Palgrave Macmillan, London.
- Passial, D. B. (2020). *A Disaggregated View of The Capital Inflow Effects on Domestic Credit Allocation (A regional perspective)* [University of Groningen]. <https://feb.studenttheses.uib.rug.nl/id/eprint/26872%0A>
- Philip, A. (2007). Financial liberalization and the relationship between finance and growth. In *CEPP WORKING PAPER* (05/05; June). Department of Land Economy.
- Schumpeter, J. A. (1939). *Business cycles* (Vol. 1). McGraw -Hill New York.
- Shahnazi, R., Dehghan Shabani, Z., (2011). Effects of Doing Business on Economic Growth (Case Study: Selected Countries). *Economics Research* 11(42): 161–85. [In Persian]
- Škare, M., Sinković, D., & Porada-Rochoń, M. (2019). Financial development and economic growth in Poland 1990-2018. *Technological and Economic Development of Economy*, 25(2), 103–133. <https://doi.org/https://doi.org/10.3846/tede.2019.7925>
- Somoye, R. O. C. (2013). The impact of finance on entrepreneurship growth in Nigeria: A cointegration framework. *ACRN Journal of Entrepreneurship Perspectives*, 2(2), 21–45.
- Werner, R. A. (2002). A reconsideration of the rationale for bank-centered economic systems and the effectiveness of directed credit policies in the light of Japanese evidence. *Japanese Economy*, 30(3), 3–45.
- Werner, R. A. (2005). New paradigm in macroeconomics: Solving the riddle of Japanese macroeconomic performance. In *Palgrave Macmillan, London*. <https://doi.org/10.1057/9780230506077>
- Werner, R. A. (2012). The quantity theory of credit and some of its applications. *Presentation Slides, Centre for Banking, Finance, and Sustainable Development.*, 1–89. <http://postkeynesian.net/downloads/Werner/RW301012PPT>

Werner, R. A. (2015). Do banks really create money out of nothing? Another empirical test of the three theories of banking. *International Review of Financial Analysis*, 1–41.

Yu, C. (2008). Entrepreneurship and credit constraints: evidence from rural households in China. *Retrieved July, 26(55)*, 1–11.

www.worldbank.org

www.gemconsortium.org

www.doingbusiness.org

www.thegedi.org

استناد به این مقاله: بهداروند، شاهین، نصیری اقدم، علی و قاسمی ششده، محمد. (۱۴۰۰). اثر هدایت اعتبار بر کارآفرینی، پژوهشنامه اقتصادی، ۸۳ (۲۱)، ۱۶۵–۱۹۹.



Journal of Economic Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

پیوست - پیشینه پژوهش (داخلی و خارجی)

نویسندگان (سال انتشار)	منطقه/کشور (دوره زمانی)	هدف	روش پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها
کینگ و لوین (۱۹۹۳ الف)خ	۸۰ کشور (۱۹۶۰-۱۹۸۹)	بررسی نگاه شومپیتر در رابطه رشد اقتصاد و توسعه مالی	رهیافت داده‌های ترکیبی (Pooled) بین کشوری	دیدگاه شومپیتر مبنی بر اهمیت تامین مالی برای توسعه اقتصادی صحیح بوده است.
کینگ و لوین (۱۹۹۳ ب)خ	۸۰ کشور (۱۹۶۰-۱۹۸۹)	بررسی رابطه رشد اقتصادی، تامین مالی و کارآفرینی	داده‌های تابلویی و روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای (3SLS) ^۱	یک سیستم مالی توسعه یافته تر با انتخاب کارآفرینان و با بسیج موثرتر اعتبار خارجی برای این کارآفرینان، باعث بهبود بهره‌وری و تحریک رشد اقتصادی می‌شود.
ورنر (۲۰۰۲)خ*	نمونه اول: آلمان (۱۹۱۳-۱۹۸۰) نمونه دوم: ژاپن (۱۹۴۵-۱۹۸۰)	بررسی اثربخشی سیاست‌های هدایت اعتبار	رویکرد روایی و تاریخی	اول بار در آلمان و سپس در ژاپن از سیاست های هدایت اعتبارات بانکی در جهت بخش های اولویت دار اقتصادی استفاده شد که به رشد اقتصاد آنها بسیار کمک کرد.
بک و همکاران (۲۰۱۲)خ*	۴۵ کشور توسعه یافته و درحال توسعه (۱۹۹۶-۲۰۰۵)	تجزیه و تحلیل آثار تخصیص اعتبار به بنگاه‌ها و خانوارها	داده‌های تابلویی و روش‌های اثرات ثابت و (FE) و تصادفی (RE)	که اعتبار تخصیص یافته به بنگاه‌های اقتصادی رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد در حالی که اعتبار خانوار هیچ تاثیری ندارد. همچنین، اعتباردهی به شرکت نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد.

1. Three-stage least squares (3SLS)

ادامه پیشینه پژوهش (داخلی و خارجی)

نویسندگان (سال انتشار)	منطقه/کشور (دوره زمانی)	هدف	روش پژوهش	مهم ترین یافته‌ها
گالیندو و مندز ^۱ (۲۰۱۴)خ	۱۳ کشور توسعه یافته (۲۰۰۲- ۲۰۰۷)	تحلیل روابط بین کارآفرینی، نوآوری و رشد اقتصادی	رهیافت داده‌های تابلویی و روش اثرات ثابت (FE)	سیاست‌های پولی بر کارآفرینی اثر مثبتی دارد.
چراتیان و قربانی (۱۳۹۳) ^۲	۱۱ کشور نوآور و ایران (۲۰۰۲- ۲۰۰۷)	تحلیل آثار سیاست‌های پولی و مالی بر کارآفرینی زنان	رهیافت داده‌های تابلویی، اثرات تصادفی (RE)	افزایش ۱ درصدی در متغیر حجم پول باعث افزایش ۰/۱۵۰۵ درصدی کارآفرینی زنان می‌شود.
موننت ^۲ (۲۰۱۴)خ	فرانسه (۱۹۴۸- ۱۹۷۳)	بررسی سیاست‌گذاری پولی فرانسه در دوران رشد طلایی این کشور	روش تحلیل روایی و تاریخی	بانکداری مرکزی در فرانسه از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۳ و همزمان با دوران رشد طلایی این کشور، نمونه‌ای سیاست‌گذاری پولی غیرمتعارف بود که به جای نرخ بهره، بر سهمیه‌بندی مقداری تکیه داشت.
محمودی و همکاران (۱۳۹۶) ^۳	۴۴ کشور (۲۰۰۸- ۲۰۱۶)	تحلیل سیاست‌های پولی بر توسعه کارآفرینی	داده‌های تابلویی و روش اثرات ثابت (FE)	یک رابطه مثبت و معنادار بین متغیر کارآفرینی و سیاست‌های پولی وجود دارد.
خاندوزی و مقیسه (۱۳۹۷) ^{۴*}	ایران (۱۳۶۸- ۱۴۰۰)	تحلیل برنامه‌های توسعه ایران از نظر پیوند بخش مالی با واقعی	رویکرد توصیفی و تاریخی	به تدریج رویکرد هدایت بخشی مالی به نفع اهداف بخش واقعی جای خود را به آزادسازی مالی داده است.

1. Méndez
2. Monnet

پیشینه پژوهش (داخلی و خارجی)

نویسندگان (سال انتشار)	منطقه/کشور (دوره زمانی)	هدف	روش پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها
بزم‌ر و همکاران (۲۰۱۸)*	نمونه اول: ۱۶ کشور توسعه یافته و در حال توسعه (۱۹۸۰-۱۹۴۵) نمونه دوم: ۱۷ اقتصاد توسعه یافته (۱۹۷۳- ۲۰۰۵) نمونه سوم: ۵۵ اقتصاد توسعه یافته و نوظهور (۲۰۱۳-۲۰۰۰)	بررسی سیاست‌های هدایت اعتباردر قرن بیستم	روش اول: تئوریک و توصیفی تاریخی روش دوم: داده‌های تابلویی و روش اثبات (FE)	روش اول و نمونه اول: بسیاری از دولت‌ها و بانک‌های مرکزی در کشورهای توسعه یافته امروز، اشکال مختلفی از سیاست‌های هدایت اعتبار را همزمان با دوران رشد اقتصادی خود به کار گرفتند. / روش دوم و نمونه دوم: آزادسازی و کاهش کنترل‌های اعتباری ارتباط معناداری با سهم کمتر وام بانکی به کسب‌وکارهای غیر مالی دارد. / روش دوم و نمونه سوم: رابطه معناداری بین سیاست‌های احتیاطی کلان و سهم وام به شرکت‌های غیر مالی پیدا نکردند.
سکاره و همکاران ^۱ (۲۰۱۸)*	لهستان (۱۹۹۰-۲۰۱۸)	بررسی نقش ساختار وام‌دهی در توسعه مالی و رشد اقتصادی	سری زمانی و روش خودرگرسیون برداری تصحیح خطا (VECM) ^۲	به منظور ارتقای رشد اقتصادی پیشنهاد کردند که اعتبارات بانکی به سمت سرمایه‌گذاری اختصاص داده شود و نه وام رهنی خانوار.
عابدی (۱۳۹۸)* ^۵	۱۶ کشور با درآمد سرانه پایین و متوسط (۱۹۹۳-۲۰۰۵)	بررسی اثر سیاست‌های هدایت اعتبار بر تامین مالی کسب‌وکارهای غیر مالی	داده‌های تابلویی و روش (FE)	با حذف سیاست‌های هدایت اعتبار و پیگیری سیاست‌های آزادسازی بازار اعتبار، سهم کسب‌وکارهای غیر مالی از کل اعتبار بانک‌ها به طور معناداری کاهش یافته است. لذا هدایت اعتبار می‌تواند اثر معناداری در کیفیت تخصیص اعتبار داشته باشد و از این رهگذر رشد اقتصادی و ثبات مالی را باعث شود.

1. Škare et al.
2. Vector Error Correction Autoregression Model (VECM)

پیشینه پژوهش (داخلی و خارجی)

نویسندگان (سال انتشار)	منطقه/کشور (دوره زمانی)	هدف	روش پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها
لئون (۲۰۱۹)خ	۸۵ کشور (۱۹۹۵-۲۰۱۴)	بررسی اثر انواع اعتبار کوتاه مدت و بلندمدت بر کارآفرینی	داده‌های تابلویی و روش اثرات ثابت (FE) و اثرات تصادفی (RE)	تامین مالی (وام‌های) کوتاه مدت تأثیری مثبت و بیشتری از تامین مالی (وام‌دهی) بلند مدت بر کارآفرینی دارد.
جها و بویان (۲۰۲۰)خ	۴۱ کشور در حال توسعه و توسعه یافته (۱۹۹۳-۲۰۰۵)	بررسی اثر اصلاحات مالی (آزادسازی مالی) بر کارآفرینی	داده‌های تابلویی، اثرات ثابت (FE)	رابطه مثبت و معناداری بین کنترل اعتبار، نظارت بانکی با کارآفرینی در اوایل مرحله کارآفرینی وجود دارد.
بزم و همکاران (۲۰۲۰)خ*	۷۴ کشور (۱۹۹۰-۲۰۱۶)	بررسی اثر افزایش وام رهنی را بر جریان اعتبارات تجاری	داده‌های تابلویی و روش خودرگرسیون برداری (VAR) ^۱	تأثیر گسترش اعتبار وام رهنی در رشد اعتبار مشاغل در اقتصادهای پیشرفته مثبت و در حال توسعه منفی است.
پاسیال ^۲ (۲۰۲۰)خ*	۴۳ کشور (۲۰۰۰-۲۰۱۷)	بررسی تأثیرات ورودی سرمایه بر تخصیص اعتبار داخلی	داده‌های تابلویی و روش اثرات ثابت و GMM ^۳	با استفاده از تخمین‌های اثرات ثابت، اثر واگرایی جریان‌های ورودی را بر تخصیص اعتبار داخلی مشاهده کردند. اما در روش GMM سرمایه‌گذاری مستقیم وسرمایه‌گذاری پرتفویی از نظر آماري تأثیر معنی‌داری بر تخصیص اعتبار به بخش خصوصی غیرمالی دارند که اولی تأثیر مثبت و دومی تأثیر منفی دارد.

1. Vector Auto Regression (VAR)
2. Passial
3. Generalized Method of Moments (GMM)

پیشینه پژوهش (داخلی و خارجی)

مهم ترین یافته‌ها	روش پژوهش	هدف	منطقه/کشور (دوره زمانی)	نویسندگان (سال انتشار)
تخصیص اعتبار به خانوارها و بخش اقتصادی غیر قابل مبادله (غیر قابل تجارت) ^۱ منجر به افزایش شکنندگی مالی، و تخصیص نادرست منابع در بخش‌ها درحالی‌که توسعه اعتباری بخش قابل مبادله با تولید پایدار و رشد بهره‌وری بدون ریسک بالاتر بحران مالی همراه است.	داده‌های تابلویی و روش‌های اثرات ثابت (FE)، اثرات تصادفی (RE) و مدل‌های احتمال خطی ^۲ و لاجیت ^۳	بررسی تخصیص اعتبار و بحران‌های اقتصادی	۱۱۶ کشور (۱۹۴۰-۲۰۱۴)	مولر و ورنر ^۱ (۲۰۲۱)خ
نتایج برآورد در تایید تاثیر مثبت اعتبار بر تولید کارخانه‌ای ^۴ ناکام ماند، اما نشان می‌دهد که اعتبار خانوارها می‌تواند رشد بهره‌وری کل عوامل ^۵ را برای سطوح بالاتر اعتبار خانوار به تولید ناخالص داخلی تضعیف کند.	رهیافت داده‌های تابلویی و روش FGLS ^۶	بررسی تجربی تاثیر سهم اعتبار در سطح بخشی بر بهره‌وری کل عوامل	۱۰ کشور OECD (۱۹۹۰-۲۰۱۹)	لهوتزکی ^۵ (۲۰۲۱)خ*

- علامت های ۱ و ۲ به ترتیب داخلی و خارجی بودن تحقیق را نشان می‌دهد.
 - علامت * نشان دهنده تفکیک قائل شدن بین اعتبارات در پژوهش است.

1. Müller & Verner
2. Linear probability Model (LPM)
3. Logit Model
4. Non-tradable sector
5. Lehotzky
6. Feasible Generalised Least Square (FGLS)
7. Manufacturing
8. Total factor productivity